

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**نخستین قوانین موقتی اصول  
محاكمات حقوقی مصوب  
کمیسیون قوانین عدلیه  
مورخ ۱۲۹۰ شمسی**



تدوین

گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۵

عنوان قرارداد	ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	نخستین قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مورخ ۱۲۹۰ شمسی / تدوین گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش.
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۳۷ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۰۰-۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا	
یادداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	حقوق جزا -- ایران
موضوع	Criminal law -- Iran
شناسه افزوده	موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
رده بندی کنگره	ذ ۱۳۹۵ KMH۳۷۹۴
رده بندی دیویی	۳۴۵/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۴۴۱۳۷۲۵

نام کتاب	نخستین قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مورخ ۱۲۹۰ شمسی
ناشر	چتر دانش
تدوین	گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
نوبت و سال چاپ	اول - ۱۳۹۵
شمارگان	۱۰۰۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۰۰-۴
قیمت	۱۲۵۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه نوروز - پلاک ۱۳  
تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۷۸۹۱۵ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۸۹۰۵۹  
پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com  
کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## فهرست

قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب کمیسیون قوانین	
عدلیه «مورخ ۲۶ رمضان و ۱۹ ذی القعدة ۱۳۲۹ قمری».....	۱۰
مواد عمومی .....	۱۰
باب اول: اصول محاکمات حقوقی در محاکم صلحیه .....	۱۲
فصل اول: در صلاحیت محاکم صلحیه.....	۱۲
فصل دوم: در عرض حال و احضار.....	۱۷
فصل سوم: در اقدامات و رسیدگی محکمه صلح .....	۲۱
مبحث اول: در حضور متداعیین و رسیدگی محکمه صلح در مواردی که	
محکمه مذکوره حق حکم را دارد. ....	۲۱
مبحث دوم: در رسیدگی محکمه صلح در مواردی که محکمه مذکوره فقط	
حق اصلاح را دارد.....	۲۵
فصل چهارم: در دلائل و تحقیقات.....	۲۸
مبحث اول: مواد عمومی .....	۲۸
مبحث دوم: در باب شهود.....	۳۱
مبحث سوم: در حلف و تحلیف .....	۳۳
مبحث چهارم: در اقرار.....	۳۳
مبحث پنجم: در اسناد کتبی .....	۳۴
مبحث ششم: در معاینه محلی و عقیده اهل خبره.....	۳۵
فصل پنجم: در تأمین مدعی به.....	۳۷
فصل ششم: در حکم.....	۳۸
فصل هفتم: در احکام غیابی و اعتراضات.....	۴۱
فصل هشتم: در شکایت از احکام و قرارهای محاکم صلحیه.....	۴۴
فصل نهم: در ترتیب رسیدگی استینافی در محکمه ابتدایی .....	۴۶
فصل دهم: در تمیز احکام محاکم ابتدایی که استینافاً صادر می شود.....	۴۸
فصل یازدهم: در رد و جرح امنای صلحیه.....	۴۹

فصل دوازدهم: در اجرای احکام محاکم صلحیه .....	۵۰
<b>باب دوم: اصول محاکمات حقوقی در محاکم ابتداییه .....</b>	<b>۵۲</b>
فصل اول: در تجدید صلاحیت محاضر شرعیه و محاکم ابتدایی .....	۵۲
مبحث اول: در صلاحیت محاضر شرعیه .....	۵۲
مبحث دوم: در صلاحیت محاکم ابتدایی .....	۵۴
مبحث سوم: در اختلاف حاصله از صلاحیت محاکم عدلیه و ترتیب تسویه آن در محاکم عدلیه .....	۵۷
فصل دوم: در وکلای متداعیین .....	۶۰
فصل سوم: در عرایض .....	۶۴
فصل چهارم: در تقویم مدعی به .....	۶۸
فصل پنجم: در اقدامات محکمه قبل از رسیدگی به دعوا .....	۶۹
مبحث اول: احضار به محکمه و ابلاغ احضارنامه .....	۶۹
مبحث دوم: موعد احضار به محکمه .....	۷۴
مبحث سوم: در حضور به محکمه و انتخاب محل اقامت .....	۷۶
مبحث چهارم: در مقدمات کتبی دعوا .....	۷۷
فصل ششم: در رسیدگی به دعوا .....	۷۸
مبحث دوم: در دعوای متقابل .....	۸۱
مبحث سوم: عقیده مدعی العموم .....	۸۲
فصل هفتم: در ترتیبات اختصاری محاکمه .....	۸۳
فصل هشتم: در دلایل و تحقیقات .....	۸۵
مبحث اول: مواد عمومی .....	۸۵
مبحث دوم: در تحقیقات از اهل محل .....	۸۶
مبحث سوم: در اسناد کتبی .....	۸۸
اول: در ترتیب ابراز و خواستن اسناد کتبی .....	۸۸
دوم: در اعتبار اسناد کتبی .....	۹۱
مبحث چهارم: در اقرار .....	۹۶

فصل نهم: در رسیدگی به صحت دلایل.....	۹۷
مبحث اول: در مواد عمومی.....	۹۷
مبحث دوم: در معاینه محلی.....	۹۹
مبحث سوم: عقیده اهل خبره.....	۱۰۰
مبحث چهارم: در رسیدگی به اسناد کتبی.....	۱۰۳
اول: قواعد عمومی.....	۱۰۳
دوم: رسیدگی به اسناد در صورت اظهار تردید (شک و شبهه) در اعتبار آن.....	۱۰۵
سوم: در ادعای جعلیت اسناد.....	۱۰۷
چهارم: در تدقیق خط و مهر در مورد اظهار تردید و ادعای جعلیت.....	۱۱۱
فصل دهم: در اظهارات و تقاضاهای اتفاقی.....	۱۱۴
مبحث اول: در ایرادات.....	۱۱۴
مبحث دوم: در تأمین مدعی به.....	۱۱۶
اول: قواعد عمومی.....	۱۱۶
دوم: اقسام تأمین مدعی به.....	۱۱۸
سوم: در ترتیب توقیف اموال غیر منقوله.....	۱۱۹
چهارم: ترتیب توقیف اموال منقوله.....	۱۲۰
پنجم: در باب ضمانت.....	۱۲۲
مبحث سوم: در جلب شخص ثالث.....	۱۲۴
مبحث چهارم: دخول شخص ثالث به دعوا.....	۱۲۶
مبحث پنجم: در رد حکام عدلیه.....	۱۲۷
مبحث ششم: در توقیف و تعقیب و بطلان محاکمه.....	۱۳۰
فصل یازدهم: در حکم.....	۱۳۲
مبحث اول: در صدور حکم.....	۱۳۲
مبحث دوم: در احکام غیابی.....	۱۳۶
مبحث سوم: در اجرای موقت احکام.....	۱۴۲

۱۴۴	<b>باب سوم: در استیناف احکام</b>
۱۴۴	فصل اول: مواد عمومی
۱۴۶	فصل دوم: در موعد استیناف
۱۴۷	فصل سوم: در عرضحال و مقدمات رسیدگی استینافی
۱۵۱	فصل چهارم: در شرایط و ترتیب رسیدگی استینافی
۱۵۴	<b>باب چهارم: در وسایل فوق العاده برای اعتراض بر حکم</b>
۱۵۴	فصل اول: در اعتراض شخص ثالث بعد از صدور حکم
۱۵۷	فصل دوم: در اعاده محکمه - (تجدید نظر)
۱۵۷	مبحث اول: در موارد اعاده محاکمه
۱۵۸	مبحث دوم: در موعد اعاده محاکمه
۱۶۰	مبحث سوم: در استدعای اعاده محاکمه و ترتیب رسیدگی
۱۶۳	فصل سوم: در تمیز احکام
۱۶۳	مبحث اول: در مواد عمومی
۱۶۴	مبحث دوم: در ترتیب استدعای تمیز
۱۶۸	مبحث سوم: در احضار متداعین و ترتیب رسیدگی
۱۷۱	مبحث چهارم: در موارد نقض و ابرام
۱۷۵	مبحث پنجم: در اقدام محکمه تمیز بعد از نقض
۱۷۷	مبحث ششم: در تمیزی که از طرف مدعی العموم تقاضا می شود
۱۷۸	<b>باب پنجم: در مواعد</b>
۱۷۸	فصل اول: قواعد عمومی در حساب کردن مواعد
۱۷۹	فصل دوم: در دادن مهلت و تجدید مواعد
۱۸۱	<b>باب ششم: در اجرای احکام محاکم عدلیه</b>
۱۸۱	فصل اول: در قواعد عمومی
۱۸۱	مبحث اول: در مقدمات اجرا
۱۸۶	مبحث دوم: در کیفیت اجرا
۱۸۸	فصل دوم: در توقیف اموال منقوله

۱۸۸	.....	مبحث اول: در مواد عمومی
۱۸۹	.....	مبحث دوم: در ترتیب صورتی که از اموال منقوله برداشته میشود
۱۹۲	.....	مبحث سوم: در تقویم اموال منقوله
۱۹۳	.....	مبحث چهارم: در حفظ اموال توقیف شده
۱۹۵	.....	مبحث پنجم: در توقیف اموال منقوله مدیون که در نزد اشخاص ثالث است
۱۹۷	.....	فصل سوم: در توقیف اموال غیر منقوله
۱۹۷	.....	مبحث اول: مواد عمومی
۱۹۹	.....	مبحث دوم: در ترتیب صورت اموال غیر منقوله
۲۰۲	.....	مبحث سوم: در تقویم اموال غیر منقوله
۲۰۴	.....	مبحث چهارم: در حفظ مال غیر منقول توقیف شده
۲۰۵	.....	فصل چهارم: در تأدیه طلب داین
۲۰۵	.....	فصل پنجم: در فروش اموال توقیف شده
۲۰۵	.....	مبحث اول: در فروش مال منقول
۲۱۲	.....	مبحث دوم: در فروش اموال غیر منقوله
۲۱۷	.....	فصل ششم: در تقسیم حاصل فروش مابین طلبکاران متعدد
۲۱۸	.....	فصل هفتم: در اتخاذ وسایل برای تأدیه دین
۲۲۲	.....	<b>باب هفتم: در اصلاح و حکمیت</b>
۲۲۲	.....	فصل اول: در صلح متداعیین
۲۲۳	.....	فصل دوم: در حکمیت
۲۳۰	.....	<b>باب هشتم: در مخارج عدلیه</b>
۲۳۰	.....	فصل اول: در مخارج محاکمه
۲۳۳	.....	فصل دوم: در خرج اجرای حکم
۲۳۳	.....	فصل سوم: در مخارج دفترخانه
۲۳۴	.....	فصل چهارم: در باب اشخاصی که استطاعت تأدیه مخارج عدلیه را ندارند
۲۳۵	.....	فصل پنجم: در تعلق مخارج عدلیه

## سخن ناشر

تاریخ، هویت بشر است و ... ساختار هر جامعه‌ی با ساروجی از پیشینش شکل می‌گیرد تا «باشندگان» امروزش به پشتوانی آن، به سامان سازند شرایط را برای «آیندگانی» که درآینده، به داوری می‌نشینند.

هر اجتماعی در گذرگاه تاریخ خویش، بزنگاه‌هایی دارد که رخدادهايش، تحریک‌کننده‌ی سرنوشت فرادیش می‌شود. از این روی، بازنگری در احوال مردمان روزگارمان سپری شده، نه تنها آموزه‌هایی را با خود دارد، بلکه سرشار «جدالیت» و «لطف» است از چگونگی کرد و کار، روابط، زبان و ادب کلامی و نگارشی ایشان.

بی‌گفت و گو، میهن که سالها ما نیز با تمدنی هفت هزاره‌ی، آنگاه چنین حوادتی است و ...

«انقلاب مشروطه»، در زمه‌ی مهرترین اتفاقات سرزمین مان است که موجب درگونی شرف و بنیادین در ساختار جامعه‌ی ایران گردید. حادثه‌ی که نه فقط بنیان «استبداد» و «خودکامگی» و «جاهلیت» سلاطین قجری را از مرزها برکند و زیر و زین کرد، که شهد آزادی را به مردمان چشاندید و دمی به روشنای دنیایی نوین، به روی شان گشود و بایلداری ایشان، موجب گردید تا «قانون»، مفهوم واقعیش را باز یافته و جماعت ایرانی، با اثرگانی نو، همچون «آزادی بیان و اندیشه»، «عدالت»، «مجلس»، «حقوق مدنی»، «مسئولیت اجتماعی» و ... آشنا شده و جایگاه مرامتین خود در مناسبات سیاسی و تعیین سرنوشت خویش و زادبومشان را باز شناسند.

برکنار از همه‌ی پیامدهای انقلاب مشروطه، یکی از عواملی که در دستارمان خوانش کارنامه‌ی گذشتگان را به مطالعه‌ی این برهما از تاریخ ایران، تهییج می‌کند، زبان و ادبیات این عصر است که به لحاظ تفاوت‌های فاحش اش با فرهنگ روزگار ما،



جذب و کششی خاص دارد. ادبیاتی با غنایی ویژه. فرهنگی که نه تنها در گهت و شنودهای عادی آن زمانه جاری بود، بلکه مکاتبات رسمی و حقوقی اش را نیز تحت تأثیر داشته است.

با چنین پیشگامی، انتشارات چتر دانش به عنوان نشر دهندگی کتب حقوقی، با هدف آشنا نمودن نسل امروز جامعه حقوقی ایران، به ویژه جوانانی که در هیات دانشجوی حقوق، اندیشه‌ی پوشیدن ردای و کالت و قضاوت و... به سر دارند، با چند و چون تدوین و نگارش قوانین در آن عهد و بازساخت روشن بینی نگارندگان آن، انتشار مجموعه کتاب‌هایی در این زمینه را در دستور کار قرار داد که ششمین جلد آن با عنوان «خستین قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی» هم اینک در دستانتان شماس.

بر واضح است که قوانین مندرج در این کتاب و کتاب‌های بعدی، کلاً منسوخ شده‌اند و باز نشرشان تنها به این دلیل است که خواندنش را از دیدگاه آشنایی با خوی تدوین اولین قوانین حقوقی بر پایه نظام پارلمانسی، آن هم در ایام واپس ماندگی جامعه ایران عهد قجر، برای باشندگان امروز در حلقه‌ی علم حقوق، به فایده دیدیم.

انتظار بر آن است تا اقدام انتشارات چتر دانش در نشر کتب تاریخی با مضامین حقوقی، مورد اقبال اهل حقوق و دوستداران تاریخ، واقع شده و فرزندان گرانسنگ در حیطه‌ی تاریخ و حقوق نیز با رهنمودها و دانش و دانسته‌های شان در این مقوله، ما را یاری رسان شوند تا کاستی‌های همان در دستیابی به هدفی که شرح اش رفت، به حداقل برسد.

**فرزاد دانشور**  
مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی  
مصوب کمیسیون قوانین عدلیه «مورخ  
۲۶ رمضان و ۱۹ ذی القعدة ۱۳۲۹ قمری»

مواد عمومی<sup>۱</sup>

ماده ۱

محاکم<sup>۲</sup> عدلیه<sup>۳</sup> به دعاوی حقوقی که مراجع به آنها است موافق قوانین رسیدگی کرده حکم یا فصل می نمایند و آن چه را که موافق قانون مراجع به آنها نبوده از خصایص محاکم اختصاصی مرد می نمایند و اموری که مراجع به محاض<sup>۴</sup> عدول<sup>۵</sup> مجتهدین جامع الشرایط<sup>۶</sup> است پذیرفته و به طوری که قانون معین می کند به محاض مزبوره ارجاع کرده و بر طبق احکام آنها حکم اجرا می دهد.

ماده ۲

محاکم عدلیه فقط وقتی شروع به رسیدگی دعاوی حقوقی می نمایند که صاحبان دعوی این تقاضا را به طوری که قانون معین می کند کرده باشند.

ماده ۳

محاکم عدلیه مکلفند که به دعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده و به موجب آن

۱- قسمتی از این قانون به موجب قانون ۲۳ جزا ۱۳۰۲ و مقررات موقتی مصوب طبق اختیارات ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ و قوانین ۲۹ اسفندماه ۱۳۰۶ و ۱۱ دی ماه ۱۳۰۷ و ۲۶ اسفند ۱۳۰۸ و ۳ تیرماه ۱۳۰۹ و ۷ تیرماه ۱۳۰۹ و ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۰ نسخ و اصلاح شده است و مواد منسوخه و اصلاح شده با حروف ریز چیده شده است.

۲- محاکم: دادگاهها

۳- عدلیه: دادگستری

۴- محاض: جمع محضر، پیشگاهها، آستانها

۵- عدول: صالح

۶- مجتهد جامع الشرایط: مجتهدی که توانایی استنباط احکام شرعی همه‌ی موضوعات راداشته باشد، مجتهد مطلق (مجتهد: دانشمند دینی که به درجه‌ی اجتهاد رسیده باشد)



حکم داده یا فصل نمایند. و در صورتی که قوانین موضوعه مملکتی کامل یا صریح نباشد و یا ناقص و یا متناقض باشد باید محاکم عدلیه موافق مروح و مفاد عمومی قوانین موضوعه امور را قطع<sup>۱</sup> و فصل نمایند.

#### ماده ۴

اکیداً ممنوع است که محاکم عدلیه به عدس این که قوانین موضوعه مملکتی کامل یا صریح نیست و یا ناقص و متناقض است صدور حکم را توقیف کنند. متخلفین از این قاعده در حکم اشخاصی خواهند بود که استتکاف<sup>۲</sup> از احقاق حق کرده باشند.

#### ماده ۵

در محاکم عدلیه به ماهیت دعاوی حقوقی فقط تا دو درجه می توان رسیدگی نمود.

#### ماده ۶

در محاکم عدلیه هیچ دعوائی نمی تواند از حیث ماهیت قابل رسیدگی در درجه بالاتر باشد مازامر که در درجه پایین تر در آن باب حکم صادر نشده است.

#### ماده ۷

هیچ اداره دولتی و مقام رسمی نمی تواند حکم محکمه عدلیه را تغییر بدهد مگر خود محکمه که حکم داده است یا محکمه بالاتر در مواردی که قانون معین می کند

۱- قطع: ۱. متوقف شدن، توقف ۲. از بین بردن

۲- استتکاف: خودداری کردن، امتناع

## باب اول: اصول محاکمات حقوقی در محاکم صلحیه فصل اول: در صلاحیت محاکم صلحیه

ماده ۸

امور مراجعہ بہ محاکم صلحیہ<sup>۱</sup> از قرار تفصیل ذیل است:  
اولاً- دعاوی مشروحہ ذیل در صورتی کہ مدعی بہ بیش از دو دست و پنجاه  
تومان نباشد.

الف- دعاوی مراجعہ بہ عیان اموال از منقول و غیر منقول.

ب- دعاوی مراجعہ بہ دیون از قبیل ثمن<sup>۲</sup> و مبیع<sup>۳</sup> و قرض و اجرت عمل کارگر  
و شاگرد خادم و خادمہ<sup>۴</sup> و حق الجعالہ<sup>۵</sup> و حق الوکالہ و حق النفقہ و الکسوة و  
حق السبق<sup>۶</sup> و امثال آن و دعاوی مراجعہ بہ خسارت و غرامت از قبیل خسارت  
و اوردہ ب حاصل و محصول زراعتی و مستغلات و املاک و امثال آن در صورتی  
کہ مدعی بہ بیش از مبلغ دو دست و پنجاه تومان نباشد یا در هنگام اقامہ  
دعوی مقدار مدعی بہ را بتوان صحیحاً تعیین کرد.

ج- دعاوی مراجعہ بہ منافع چہ متعلق بہ اشخاص باشد از قبیل اجیر<sup>۷</sup> و عملہ  
و کارگر چہ متعلق بہ منافع اعیان<sup>۸</sup> باشد از قبیل مال الاجارہ و حق السکنی و  
امثال آن.

۱- محکام صلحیہ: دادگاهای صلح

۲- ثَمَن: قیمت، بها

۳- مَبِيع: آنچه کہ خریدوفروش می شود، آنچه کہ مورد معامله قرار می گیرد

۴- خادمہ: خدمت گزار زن

۵- حق الجعالہ: حق دستمزد

۶- حق السبق: کسی کہ قبل از دیگران مالی را تصاحب یا جایی را اشغال کند حقی بہ دست می آورد کہ بہ آن حق السبق  
می گویند.

۷- اجیر: مزدگیر، مزدور

۸- اعیان: ثروت مندان



د- درعوی رآعه به حقوق مالی مثل حق الشفعه<sup>۱</sup> حق العبور<sup>۲</sup> حق الحجری<sup>۳</sup> و امثال آن.  
 ه- درعوی رآعه به حقوق غیر مالی مثل حق الحضانه<sup>۴</sup> حق الوصایه<sup>۵</sup> حق الولایه<sup>۶</sup> و امثال آن.

و- درعوی حاصله از هتک شرف<sup>۷</sup> به واسطه اظهار شفاهی یا کتبی علنی یا غیر علنی غیر از مواد مطبوعات و همچنین درعوی حاصله از ضرب و شتم در صورتی که مدعی اقامه دعوی حقوقی کند نه جزایی.

ثانیاً- درعوی تصرف عدوانی در غیر منقول تا هس مقلداری که باشد در صورتی که این دعوی در ظرف سه ماه از تاریخ تصرف عدوانی اقامه شود و الا درعوی رآعه به محکمه ابتدایی<sup>۸</sup> است.

ثالثاً- درعوی ممانعت از حق کسی در ملک دیگری از قبیل حق العبور<sup>۲</sup> حق مرتجع حق حجری حق نوردان و امثال آن در صورتی که از زمان ممانعت اولیه بیش از سه ماه نگذاشته باشد و الا به محکمه ابتدایی رجوع خواهد شد.  
 رابعاً- خواهش تأمین و حفظ دلائل و امارات مدعی به تا هس مبلغی که باشد.

خامساً- اصلاح ذات‌البین<sup>۹</sup> در هس دعوایی و تا هس مقلداری که مدعی به باشد موافق مواد (۸۸) و (۵۶).

۱- حق الشفعه: اگر یکی از دو شریک بخواهد سهم خود را بفروشد شریک دوم در خرید آن حق تقدم دارد که به آن حق شفعه می‌گویند.

۲- حق العبور: حق عبور

۳- حق الحجری: حقی که به موجب آن مالکی می‌تواند از ملک دیگری حق جریان دادن آب یا فاضلاب یا لوله‌ی نفت داشته باشد.

۴- حق الحضانه: حق پروردن مادی و معنوی طفل است از سوی پدر و مادرش

۵- حق الوصایه: حق وصیت

۶- حق الولایه: حق ولایت

۷- هتک شرف: ریختن آبرو و حیثیت کسی

۸- محکمه‌ی ابتدایی: دادگاه نپوی

۹- ذات‌البین: ۱. میانه‌ی دو شخص یا دو گروه ۲. گله‌مندی یا اختلافی که بین دو تن به وجود آید

### ماده ۹

درعاری منصله ذیل به محاکم صلحیه<sup>۱</sup> مراجع<sup>۲</sup> نیست و لو مقدار مدعی به درو بست و پینجاه تومان یا کمتر باشد:

- ۱- درعاری مربوطه به منال<sup>۳</sup> دیوانی<sup>۴</sup>.
- ۲- درعاری مراجعه به امتیازاتی که از طرف دولت داده می شود.

### ماده ۱۰

درعاری در همان محکم صلحیه اقامه می شود که مدعی در حوزه آن ساکن یا مقیم است و هرگاه مدعی بخواهد می تواند به صلحیه نیز رجوع نماید که مدعی علیه در حوزه آن ساکن یا مقیم است و هرگاه مدعی بخواهد می تواند به صلحیه نیز رجوع نماید که مدعی علیه در حوزه آن اقامتگاه دائمی یا موقتی دارد ولی در بلوکات<sup>۵</sup> هرگاه مدعی به محکم اقامتگاه خودش رجوع نماید باید مخارج عاریه مسافرت و توقف مدعی علیه را که احضار شده است به مشارالیه بپردازد و بعد هرگاه حقیقت او ثابت شد مدعی می تواند در جزو خسارت خود یا مصارف را هم موافق قانون از مدعی علیه بی حق ادعا و مطالبه نماید.

### ماده ۱۱

درعاری مراجعه به اموال غیر منقول در صلحیه باید اقامه شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است اگر چه مدعی و مدعی علیه هر دو در آن حوزه ساکن یا مقیم نباشند.

۱- محاکم صلحیه: دادگاههای صلح

۲- راجع: مربوط، مرتبط

۳- منال: مال، دارایی، ثروت، ملک، درآمد، مداخل

۴- منال دیوانی: املاک دولتی، خالصهها

۵- بلوکات: دهستانها، نواحی / بلوک: دهستان



ماده ۱۲

هر گاه يك ادعا راجع به چند مدعی علیه باشد که در حوزه‌های صلاحیت مختلفه مقیمند مدعی می‌تواند یکی از صلاحیت‌های مزبور را اختیار کرده اقدام دعوی نماید.

ماده ۱۳

در تمام موارد طرفین می‌توانند تراضی نمود به هر محکم صلاحیت که بخواهند رجوع نمایند تراضی طرفین در دفتر محکم صلاحیت قید شده به امضای طرفین می‌رسد و در صورتی که متداعیین 'سواد' نداشته باشند این نکته قید می‌شود.

ماده ۱۴

ادعای متقابل یعنی دعوایی که در جواب دعوای مدعی اقامه می‌شود و مبتنی بر يك اساس و از يك منشاء ناشی شده یا به کلی مربوط به یکدیگر باشد راجع به همان محکم صلاحیت است که دعوای اصلی در آن جا اقامه شده است. ولی هر گاه ادعای متقابل نظر به مقدار مدعی به راجع به محاکم صلاحیت نباشند حاکم صلح رسیدگی ننموده به طرفین اعلام می‌کند که به محکم ابتدایی حقوق رجوع نمایند.

ماده ۱۵

در موارد اختلافاتی که در باب صلاحیت مابین محاکم صلاحیت حاصل می‌شود

۱- متداعیین: طرفین دعوا، خواهان و خوانده

۲- سواد: کپی، رونوشت

هرگاه طرفین اختلاف در حوزه يك محكمه ابتدایی واقع باشند رفع اختلاف در همان محكمه ابتدایی به عمل می آید و اگر در حوزه های محاکم ابتدایی مختلفه واقع باشند رفع اختلاف مراجع به محكمه ابتدایی است که دعوی مختلفه فیہ بدواً در حوزه آن اقامه شده. و هرگاه دعوی مختلفه فیہ در يك تاریخ در حوزه های مختلفه محاکم ابتدایی اقامه شده باشد رفع اختلاف با محكمه استیناف<sup>۱</sup> است.

#### ••• ماده ۱۶ •••

اگر اختلافی در باب صلاحیت مابین محاکم صلحیه و محاکم ابتدایی حاصل شود رفع آن با آن محكمه استیناف است که طرفین اختلاف در حوزه آن واقعد. و هرگاه طرفین اختلاف در حوزه های استینافی مختلفه واقع باشند رفع اختلاف به عهد آن محكمه استیناف است که دعوی مختلفه فیہ بدواً در حوزه آن اقامه شده است. و هرگاه دعوی مختلفه فیہ در يك تاریخ در حوزه های مختلفه محاکم استینافی اقامه شده باشد رفع اختلاف با دیوان تمیز<sup>۲</sup> است.

#### ••• ماده ۱۷ •••

اگر باب رجوع در موارد حدوث اختلاف به یکی از محاکمی که طرف اختلاف هستند رجوع نموده تعیین محكمه را که صلاحیت رسیدگی دارم درخواست می نمایند. درخواست مذکور با توضیحات خود محكمه به مقامی که موافق ماده (۱۵) و (۱۶) صلاحیت رفع اختلاف را دارم تقدیر شده رسیدگی به دعوی که باعث اختلاف شده است تا صدور حکم آن مقام به تأخیر می افتد.

۱- محكمه استیناف: دادگاه تجدیدنظر

۲- دیوان تمیز: دیوان عالی





## فصل دوم: در عرض حال و احضار

### مآذ ۱۸

عرضحالی که به محاکم صلحیه در اقامه دعوی داده می شود ممکن است کتبی یا شفاهی باشد.

### مآذ ۱۹

عرضحال شفاهی را محکم صلحیه در دفتر ثبت کرده برای عارض<sup>۲</sup> قرائت می کند و بعد به امضای عارض می رساند. هرگاه عارض سواد نداشته باشد دیگری از طرف عارض امضاء می نماید و جهت<sup>۳</sup> آن در دفتر قید می شود.

### مآذ ۲۰

هرگاه عرضحال خارج از صلاحیت محکم صلح باشد محکم صلح قرار عدم قبول عرض حال را با جهات<sup>۴</sup> آن داده عرض حال را به صاحبش مرد می کند. و هرگاه عرضحال شفاهی باشد محکم صلح به خواهش عارض سواری از قرار خودش به عارض می دهد.

### مآذ ۲۱

در عرضحال چه کتبی باشد و چه شفاهی باید عارض اطلاعات ذیل را بدهد:  
۱- اسم و شهرت و محل اقامت و شغل خود و مدعی علیه و همچنین اطلاعات

۱- عرض حال: شکواییه، شکایت نامه، بیان شکایت یا درخواست

۲- عارض: شاکی، شکایت کننده

۳- جهت: علت

۴- جهات: علل

- مذکور را در باب مطلعین از قضیه در صورتی که مدعی به اطلاع آنها استناد می‌کند بی‌سبیل اجمال قید می‌کند.
- ۲- دلایل موجوده ادعای خود را.
- ۳- مقدار مدعی به مگر در مواردی که تعیین مقدار ممکن نیست.
- ۴- توضیح این که چه می‌خواهد یا چه اقدامی باید بشود.

••• ماده ۲۲ •••

مقدار مدعی به مبلغی است که در عرض حال صریحاً قید شده است به ضمیمه اجرت‌المثل و خسارت که بوجه مدعی به تا روز اقامه دعوی ضمیمه شده و عارض تأریه آن را تقاضا می‌کند.

••• ماده ۲۳ •••

هر گاه در مقدار مدعی به اختلافی مابین متداعیین حاصل شود باید در موردی که محکم صلح معین می‌کند مقدار مدعی به واسطه تحقیقات محلی یا استعلام از مطلعین<sup>۱</sup> و اهل خبره<sup>۲</sup> معین شود.

••• ماده ۲۴ •••

مدعی می‌تواند استناد خود را به محکم صلح سپرده قبض رسید دریافت دارد.

۱- بر سبیل اجمال: به اجمال، به اختصار

۲- مطلعین: شاهدان

۳- اهل خبره: آگاهان



••• ماده ۲۵ •••

به موجب عرضحال مدعی محکمه صلح مدعی علیه را احضار و به مدعی موعده حضورای را اعلام می‌دارد.

••• ماده ۲۶ •••

احضار متداعیین به توسط احضاریه به عمل می‌آید و در احضارنامه نکات مفصله ذیل باید تصریح شود:

- ۱- اسم و شهرت و شغل و محل اقامت مدعی و مدعی علیه.
  - ۲- موضوع ادعا.
  - ۳- باید در کجا احضار شوند، حاضر شود.
  - ۴- تاریخ حضور (روز و ماه و سال) با تعیین ساعت در مواقع لازمه.
  - ۵- اسم مأمور احضار و یا اداره که احضارنامه را تبلیغ می‌کند.
  - ۶- هرگاه احضار شوند، حاضر نشود چه نتیجه برای او خواهد داشت.
- در مورد دعوت مطلعین و سایر اشخاص تاریخ و محل دعوت و این که به تقاضای کی و جهت دعوت چیست باید تصریح شود و مطلعین مجبور به حضور نیستند. احضارنامه باید دو نسخه باشد و هر دو نسخه را امین صلح امضاء می‌کند.

••• ماده ۲۷ •••

موعده مقرر برای حضور مدعی علیه در محکمه نباید از تاریخ ابلاغ احضارنامه به مدعی علیه کمتر از یک روز باشد و نیز برای هر چهار فرسخ<sup>۲</sup> مسافت

۱- امین صلح: قاضی دادگاه صلح

۲- فرسخ: فرسنگ، شش کیلومتر

از اقامتگاه مدعی علیه تا محکمات مدت مزبور به يك روز علاوه می شود.

••• ماده ۲۸ •••

احضار نامه به اشخاص لازمی یا به توسط مأمورین احضار یا پلیس محل و یا ضابط و کتخدا و غیره ابلاغ می شود.

••• ماده ۲۹ •••

احضاریه باید به خود احضار شوند؛ ابلاغ شود و در صورتی که احضار شوند؛ غایب باشد احضاریه را مأمور احضار به یکی از اهل خانه مدعی علیه یا به مباشر ملک و یا به یکی از همسایگان او در صورتی که ابلاغ احضاریه را در عهد به گیرند تسلیم نموده در نسخه دیگر رسید می گیرند.

••• ماده ۳۰ •••

در صورتی که هیچ يك از اشخاص مذکور در ماده قبل نباشند مأمور احضار يك نسخه احضاریه را در شهر به صاحب منصب یا کمیسری نظمیه<sup>۱</sup> و در ده به کتخدا می سپارد و در نسخه دیگر رسید می گیرند.

••• ماده ۳۱ •••

مأمور احضار در حین ابلاغ احضار نامه روی آن تاریخ ابلاغ را قید می کند و در نسخه دیگر احضار نامه گیرنده آن باید رسید و تاریخ ابلاغ احضاریه

۱- ضابط: مأمور تفتیش و کشف جرائم، دادستان شهرستان، بازپرس، صاحب منصب ژاندارمری، حاکم، والی

۲- صاحب منصب: ویژگی کسی که دارای شغل مهمی است یا دارای شأن و شوکت است.

۳- کمیسری نظمیه: مأمور نیروی انتظامی



را نوشته امضا نماید و آن نسخه ثانوی را مأمور احضار به محکمه صلح تسلیم می کند. هر گاه گیرنده احضاریه نتواند یا نخواهد امضاء بدهد در روی هر دو نسخه صریحاً نوشته می شود که احضاریه به کی و در چه تاریخ تسلیم شده و چرا امضاء نشده است.

### مآله ۳۲

مأمور احضار در موارد ذیل نمی تواند تبلیغ احضار نامه نماید:

- ۱- به والدین و اجداد و احفاد خود.
- ۲- به اقربای خود تا درجه سوم و همچنین به مخلوم<sup>۲</sup> و خدمه سابق خود.

### مآله ۳۳

موعدی را که محکمه صلح برای حضور متداعیین معین کرده است به رضایت آنها می تواند به تأخیر بیندازد.

**فصل سوم: در اقدامات و رسیدگی محکمه صلح**  
**مبحث اول: در حضور متداعیین و رسیدگی محکمه صلح در**  
**مواردی که محکمه مذکوره حق حکم را دارد.**

### مآله ۳۴

در موعد مقرر طرفین یا شخصاً در محکمه صلح حاضر می شوند یا وکیل می فرستند.

۱- احفاد: جمع خُند: نوادگان، نبرگان

۲- اقربا: خویشاوندان اعم از نسبی و سببی و رضاعی و اعم از انوینی و ابی و اُمی

۳- مخدوم: آقا، سرور، ارباب، رئیس

... ماده ۳۵ ...

رسیدگی محکمه صلح علنی و شفاهی است ولی در مورد عصمت محاکمه سری خواهد بود.

... ماده ۳۶ ...

- در موارد ذیل مدعی علیه می تواند جواب مدعی را نداده دعوی را مرد کند:
- ۱- وقتی که رسیدگی به دعوی خارج از صلاحیت محکمه صلح است و یا راجع به محکمه صلح دیگری است.
  - ۲- وقتی که همان محکمه صلح یا محکمه صلح دیگر و یا در محکمه دیگری همان دعوی مابین همان اشخاص یا دعوی دیگری که مناسبت تامه با ادعای مدعی دارد سابقاً عنوان شده و در تحت رسیدگی است.
  - ۳- در صورتی که ادعای مدعی تماماً راجع به مدعی علیه دیگری است.
  - ۴- در صورتی که مدعی صلاحیت اقامه دعوا را ندارد.
  - ۵- در صورتی که وکیل مدعی و کالت از طرف او ندارد.

... ماده ۳۷ ...

بعد از شروع به رسیدگی محکمه صلح بدو تکلیف صلح به طرفین نموده و سعی خود را در اصلاح ذات‌البین حتی در حین محاکمه تعقیب می‌کند و فقط در صورت عدم موفقیت بعد از رسیدگی حکم می‌دهد.



ماده ۳۸

در صورت اصلاح صلحنامه کتبی نوشته شده به امضای طرفین یا وکلای آنها می‌رسد و کاری که به مصالحه تمام شده از سر گرفتن آن جایز نیست.

ماده ۳۹

در صورت عدم اصلاح بعد از شروع به رسیدگی محکمه صلح به مدعی تکلیف می‌کند که ادعای خود را بیان و اوضاع و احوال را تصریح کرده دلایل خود را اقامه کند و بعد جواب توضیحات مدعی علیه را گوش می‌کند بعد به مدعی و مدعی علیه به نوبت اجازه دادن توضیحات را می‌دهد و خودش توضیحات لازم را می‌خواهد و همین که مشاهده کرد که مسئله روشن و قدر کفایت توضیح شده است مذاکرات را طرفین ختم می‌کند.

ماده ۴۰

در دعوی تصرف عدوانی کسی در اموال غیر منقوله دیگری در صورتی که اقامه دعوی مزبور در ظرف سه ماه از تاریخ تصرف عدوانی به عمل آمده و مدعی به بیش از دویدست و پنجاه تومان باشد محکمه صلح داخل در مدافعه استاری که دلالت بر حق مالکیت می‌نماید نمی‌شود لهذا هر گاه در باب تصرف عدوانی مابین طرفین گفته‌گو و منازعه باشد محکمه صلح تحقیقات خود را فقط در باب تصرف آن نموده مال غیر منقول را به تصرف متصرف اول می‌دهد بدون این که به مدرک و مبنای حق مالکیت برسد و به طرفین

۱- تصرف عدوانی: تصرف مکانی یا در اختیار گرفتن مالی بدون رضایت مالک یا بدون مجوز قانونی  
 ۲- منازعه: نزاع، دعوا (طرف منازعه: طرف نزاع، طرف دعوا)

اعلام می‌دارد که در باب حق مالکیت به محکمہ ابتدایی مرجوع کنند.

... ﴿ماده ۴۱﴾ ...

تاخیر رسیدگی به خواهش يك طرف فقط در موارد ضرورت به تصدیق محکمہ و به اندازه لزوم قبول می‌شود.

... ﴿ماده ۴۲﴾ ...

هر گاه یکی از متداعیین تحصیل سندی یا سوادى را که برای توضیح کار او لازم است از ادارات یا مقامات رسمى لازم بداند محکمہ صلح باید بر حسب خواهش او تصدیق کتبی بدهد که فلان سند یا سواد آن و یا فلان استعلام برای فلان امر لازم است.

... ﴿ماده ۴۳﴾ ...

در مورد خیل رسیدگی به دعوا توقیف می‌شود:

- ۱- به رضایت تمام صاحبان دعوا.
- ۲- در صورت فوت یا جنون یا ظهور و عدم صلاحیت یکی از صاحبان دعوا.
- ۳- در صورتی که یکی از اتفاقات مذکور در فقره دوم نسبت به وکیل یکی از صاحبان دعوا به عمل آید.

... ﴿ماده ۴۴﴾ ...

رسیدگی که موافق ماده قبل توقیف شد به خواهش یکی از متداعیین یا اصحاب دعوا مجدداً شروع می‌شود.





ماده ۴۵

محکمه صلح همین که فهمید رسیدگی به دعوایی خارج از صلاحیت او است باید محاکمه را قطع کند.

ماده ۴۶

در مواردی که محکمه صلح به واسطه الجمار یا عدم تصریح در چار اشکالاتی در حین رسیدگی می شود باید موارد دستور محاکم صلحیه را با مواد دستور محاکمات حقوقی سایر محاکم تطبیق نموده رفع اشکال خود را بنماید.

**مبحث دوم: در رسیدگی محکمه صلح در مواردی که محکمه مذکوره فقط حق اصلاح را دارد**

ماده ۴۷

مرجع به محاکم صلحیه برای اصلاح ذات البین یا به تراضی طرفین دعوا و یا به میل یکی از آنان به عمل می آید.

ماده ۴۸

ترتیب احضار و اعلام در مواردی که محکمه صلح فقط حق اصلاح ذات البین را دارد همان است که در فصل دوم مذکور است ولی در احضار نامه باید تصریح شود که معروض 'برای اصلاح به محکمه دعوت می شود'.

ماده ۴۹

بعد از حضور متداعیین محکمه به اظهارات و دلایل طرفین رسیدگی و

۱- معروض: ۱. کسی که از او شکایت شده است ۲. محل عرضه چیزی، در معرض / معروض داشتن: عرض کردن، گفتن

تکلیف صلح و سعی در اصلاح ذات‌البین می‌نماید. در صورت عدم موفقیت به اصلاح تحقیقات و عدم موفقیت خود را در دفتر نوشته به امضای طرفین می‌رساند. و هرگاه یکی از طرفین یا هر دو طرف نخواهند امضا کنند مراتب را محکم صلح قید می‌کند.

#### ●●● ماده ۵۰ ●●●

در مورد ماده قبل محکم صلح نباید طرفین را بی جهت معطل نماید و همین که مشاهده نمود که طرفی یا طرفین حاضر به اصلاح نیستند باید طرفین را به حال خودشان واگذار کرده و اعلام نماید که دعوی خود را به محاکمی که صلاحیت حکم را دارند مرجوع نمایند.

#### ●●● ماده ۵۱ ●●●

هرگاه بعد از تبلیغ دو احضارنامه معروض حاضر نشده یا کتباً جواب داد که حاضر به اصلاح نیست محکم مراتب را در دفتر قید کرده و به عارض اعلام می‌دارد که به محکم که صلاحیت حکم را دارند مرجوع نماید.

#### ●●● ماده ۵۲ ●●●

هرگاه مدعی علیه بعد از تبلیغ يك يا دو احضارنامه حاضر شده و بعد استتکاف از حضور نمود محکم صلح به موجب ماده قبل رفتار می‌نماید.

#### ●●● ماده ۵۳ ●●●

استتکاف مدعی علیه از حضور در محکم صلح یا عدم قبول صلح بعد از حضور در هر حالی از احوال مانع نمی‌شود که طرفین کارشان را در محکم



دیگری که صلاحیت اصلاح ما داریم به طیب خاطر مرجوع نموده خواستار اصلاح شوند.

...ماده ۵۴...

همین که محکمه صلح به اصلاح ذات‌الین موفق شد مراتب ما در دفتر قید کرده به امضای طرفین می‌رساند و صلح‌نامه ممضی<sup>۲</sup> به امضای امین صلح و حاکم صلح<sup>۳</sup> و مهور<sup>۴</sup> به مهر محکمه مرتب نموده در دو نسخه به طرفین تسلیم می‌نماید.

...ماده ۵۵...

هرگاه محکمه صلح از عرض حال مدعی مشاهده نماید که امر از امور مستعجله<sup>۵</sup> و فوتی<sup>۶</sup> بوده و اقدام لازم خارج از صلاحیت محکمه است یا محکمه تصور کند که اقدام او در احضار طرف و اصلاح ذات‌الین موجب تضییع حق عارض خواهد شد به مشارالیه اعلام می‌دارد که به محکمه که صلاحیت اقدام را داریم مرجوع کند و مراتب ما در دفتر خود قید می‌کند.

۱- طیب خاطر: با علاقه و میل

۲- ممضی: امضاء شده، دارای امضاء

۳- حاکم صلح: قاضی صلح، داور صلح

۴- مهور: مهر شده

۵- امور مستعجله: کارهای فوری

۶- امور فوتی: امور ضروری

## فصل چهارم: در دلائل و تحقیقات مبحث اول: مواد عمومی

### ماده ۵۶

مدعی باید ادعای خود را ثابت کند و مدعی علیه که اعتراض می کند باید اعتراض خود را مدلل دامر<sup>۱</sup> و الا اعتراض او منشاء اثر نیست.

### ماده ۵۷

محکمه صلح خودش در صدد تحصیل دلائل بر نمی آید مدرک حکم او فقط دلائلی است که طرفین اقامه می کنند.

### ماده ۵۸

هر گاه بعد از اصغای<sup>۲</sup> اظهارات طرفین محکمه صلح مشاهده کند که بعضی از اوضاع و احوال که برای حل مسئله اهمیت دامر بدون دلیل مانند مطلب را به طرفین اعلام نموده موعدی را برای دادن توضیحات و اقامه دلائل معین می کند.

### ماده ۵۹

اشخاصی که ظنین هستند بر این که تحقیقات محلی و استطلاع از مطلعین و استعلام از اهل خبره بعدها ممکن نخواهد بود یا اقل مشکل خواهد شد می توانند از محکمه صلح خواهش کنند که دلائل آنان را تأمین کند.

۱- مدلل دارد: برای اثبات آن دلیل بیاورد

۲- اصغای: گوش کردن، شنیدن



ماده ۶۰

خواهش تأمین دلایل چه در حین محاکمه و چه قبل از اقامه دعوا ممکن است.

ماده ۶۱

خواهش تأمین دلایل در صورتی که قبل از اقامه دعوا باشد مراجع است به محکمه صلحی که موضوع معاینه یا تحقیق در حوزه آن واقع است یا اشخاص مطلع در حوزه آن مقیمند. و هرگاه بعد از اقامه دعوی (در حین محاکمه) باشد اقدام آن مراجع به محکمه صلحی است که مشغول به رسیدگی است. در این مورد در صورتی که تأمین دلایل فوریت داشته باشد طرفین می توانند به اجازه محکمه که مشغول رسیدگی است به محکمه صلحی که دلایل در حوزه آن واقع است رجوع نمایند. و محکمه حق ندارد در دادن اجازه با وجود فوریت مطلب مسامحه نماید.

ماده ۶۲

خواهش تأمین دلایل چه کتبی باشد چه شفاهی باید حاوی نکات ذیل باشد:

- ۱- اسم و شهرت خواهش کننده و طرف او.
- ۲- اشاره به اوضاع و احوالی که مبتنی است بر دلایلی که تأمین آن را می خواهند.

۱- تأمین دلیل: نوعی دادخواست که به موجب آن از دادگاه تقاضا می شود تا وضعیت موجود محل، جنس یا موضوعی، به عنوان دلیل صورت مجلس شود.

۳- جهت خواهش تأمین دلایل.

●●● **ماده ۶۳** ●●●

در مواردی که تأمین دلایل فوریت داشته باشد اجازه آن را محکم صلح می‌دهد بدون این که بدو طرف را احضار کند و این قرار محکم صلحیه قابل شکایت نیست.

●●● **ماده ۶۴** ●●●

بعد از تأمین دلایل محکم صلح به خواهش مستدعی<sup>۱</sup> تأمین موافق دستوری رفتار می‌نماید که در باب معاینه محل و خواستن عقیده اهل خبره و استعلام از اهل محل مقرر است.

●●● **ماده ۶۵** ●●●

در مواردی که مستدعی تأمین دلایل طرف خود را معین نکرده اجرای آن در صورتی به عمل می‌آید که از برای خواهش‌کننده ممکن نباشد از طرف خود را معین نماید.

●●● **ماده ۶۶** ●●●

مقصود از تأمین دلایل حفظ آن است و به هیچ وجه دلالت نمی‌کند بر این که دلایلی که تأمین شده حتماً در حین محاکمه مدرک ادعای صاحب آن خواهد بود یا دلایل تأمین شده حتماً معتبر خواهد بود.

۱- مُستدعی: طالب، خواهان، متقاضی، درخواست‌کننده



••• ماده ۶۷ •••

هر گاه طرف مستدعی تأمین برای حضور در موقع اجرای تأمین احضار نشده باشد و یا احضاریده به او نرسیده باشد حق دآرد در حین رسیدگی به دعوا ختلفی را که از ترتیب قانون شده است خاطر نشان کند.

**مبحث دوم: در باب شهود**

••• ماده ۶۸ •••

هر گاه در دعآوی که مراجع به محاکم صلویه است طرفین یا طرفی محتاج به اقامه شهود شدند و محکمه صلح اقامه آن را مفید و موافق قانون دانست موضوع شهادت را معین کرده به طرفین اعلام می دآرد.

••• ماده ۶۹ •••

در روز معین شهود در محکمه حاضر شده بعد از اظهار اسم و شغل و سن و محل اقامت خودشان متعهد می شوند که حقیقت را بگویند و هر گاه شهود قرآبت نسبی یا سببی با یکی از متداعیین داشته باشند نیز اظهار داشته و در وجه قرآبت خود را معین می کنند و همچنین اگر خادم و مخلوم یکی از متداعیین باشند نیز اعلام می دآرند. و در موارد قرآبت و یا خادم و مخلوم بودن شهود در امور شرعیه موافق ماده (۷۴) عمل می نماید.

••• ماده ۷۰ •••

شهود شهادت خودشان را يك يك در حضور حاکم صلح و متداعیین (هر

گاه حاضر باشند) اقامه می نمایند. و هر گاه یکی از متداعیین اظهاری مراجع  
 بن مرد شهود داشته باشد پس از اظهار در صورت مجلس قید شد و به  
 امضای مرد کنند می رسد. و هر گاه مرد کنند سوار نداشته باشد یا نتواند امضاء  
 کند این نکته در صورت مجلس قید می شد. قبول یا عدم قبول حاکم صلح  
 مرد کنند را به قانون شرع انور<sup>۱</sup> خواهد بود.

#### ●●● ماده ۷۱ ●●●

متداعیین حق ندارند در حین اداء شهادت کلام شهود را قطع کنند ولی بعد  
 از آن حاکم صلح می تواند به خواهش طرفین یا خودش رسماً سؤالات لازم را  
 از شهود بکند.

#### ●●● ماده ۷۲ ●●●

هر گاه برای غوررسی<sup>۲</sup> به شهادت شهود معاینه محل لازم یا مفید باشد حاکم  
 صلح شهادت شهود را در محل استماع می کند.

#### ●●● ماده ۷۳ ●●●

شهادت شهود با قید اسر و شهرت و شغل و محل اقامت و قرائت و تعهدی  
 که داده اند تماماً در صورت مجلس درج و برای هر يك از شهود قرائت شد و به  
 امضای آنها می رسد و در صورت بیسواری یا عدم استطاعت امضاء این نکته  
 در صورت مجلس قید می شود و بعد صورت مجلس به امضای حاکم صلح و

۱- شرع انور: دین مبین اسلام

۲- غوررسی: مطالعه و تحقیق

۳- عدم استطاعت: ناتوانی





تقریر نویس<sup>۱</sup> می رسد.

### ••• مآرآ ۷۴ •••

کیفیت آراء و شروط شهادت و اختلاف شهود و اختلاف اظهارات آنها و مرد و جرح شهود بعد از آراء شهادت یا امتناع آنها از آراء شهادت و سایر مسائل مراجعه به شهود موافق قوانین شرح انور خواهد بود.

## مبحث سوم: در حلف و تحلیف

### ••• مآرآ ۷۵ •••

در موارذی که محاکمه طرفین منجس به حلف<sup>۲</sup> و تحلیف شود این نکته در صورت مجلس قید و حلف و تحلیف در حضور حاکم صلح (فقیه) به عمل خواهد آمد.

### ••• مآرآ ۷۶ •••

اتیان<sup>۳</sup> به قسم راجع به خود متداعیین است و ربطی به وکیل ندارد.

## مبحث چهارم: در اقرار

### ••• مآرآ ۷۷ •••

هر گاه یکی از متداعیین در حین رسیدگی یا محاکمه کتبا یا شفاهاً اقرار صریح به امری کند که دلالت بر حقانیت طرف او نماید دلایل دیگری از طرف به هیچ

۱- تقریر نویس: منشی

۲- حلف: پیمان دو نفر یا دو گروه بر تعاون و معاضدت یکدیگر، سوگند خوردن

۳- اتیان سوگند: ادای سوگند، قسم خوردن

و چه خواسته نخواهد شد.

#### ماده ۷۸

اقرار یکی از شرکاء در امری فقط در باره اقرار کننده معتبر است و ضمن متوجه سایر شرکاء نمی شود مگر این که به وجهی شریعی ملزم باشند.

### مبحث پنجم: در اسناد کتبی

#### ماده ۷۹

اسناد کتبی خواه رسمی باشد خواه عاری و کلیه نوشتجاتی که طرفین ابراز می کنند باید مورد مذاقه محکم صلح بشود.

#### ماده ۸۰

اعتبار اسناد رسمی به نحوی است که در باب دوم این کتاب و قانون ثبت اسناد مذکور است.

#### ماده ۸۱

هیچ کس نمی تواند اظهار بی اطلاعی نسبت به سندی کند که خودش آن سند را داده و امضاء کرده و یا از طرف او آن سند داده شده است و به امضای او رسیده است بلکه در مقام مرد یا باید ادعای جعلیت نسبت به آن نماید و یا مدلل نماید که به جهتی از جهات قانونی آن سند از اعتبار افتاده است و اگر سکوت کند سکوت او دلیل بر قبول نیست.



••• مآرۛ ۸۲ •••

اگر ادعای جعلیت نسبت به اسناد کتبی که برای صدور حکم اهمیت دارند اقامه شود محکمہ بدوآ به طرفی که آن اسناد را ابراز کرده تکلیف می کند که آن اسناد را پس بگیرد. هر گاه صاحب اسناد به این تکلیف مراضی نشد حاکم صلح به طرفی که ادعای جعلیت اسناد را کرده است عاقبت و خیر آن ادعا را در صورت عدم ثبوت آن خاطر نشان می کند اگر با وجود آن مدعی جعلیت در ادعای خود ثابت و مصر باشد حاکم صلح رسیدگی کار را توقیف کرده استاری را که نسبت ساختگی به آنها داده شده نزد مدعی عمومی محکمہ بدایت می فرستد که موافق قانون در محکمہ بدایت به مسئله جعلیت اسناد رسیدگی شود.

••• مآرۛ ۸۳ •••

ادعای جعلیت نسبت به استاری که برای صدور حکم اهمیت ندارد مانع از توقیف محاکمه نمی شود.

### مبحث ششم: در معاینه محلی و عقیده اهل خبره

••• مآرۛ ۸۴ •••

معاینه محلی<sup>۱</sup> با حضور اهل خبره یا بی حضور آنها به خواهش یکی یا متداعین یا تصویب محکمہ صلح به عمل می آید.

۱- مُصر بودن: اصرار داشتن، ثابت قدم بودن، پافشاری کردن

۲- محکمته بدایت: دادگاه بدوی، دادگاه شهرستان

۳- معاینه محلی: بازدید محلی

... مَادَّةٔ ۸۵ ...

معاینه در حضور امین صلح با قتیبه محکم و متداعیین و در نفس شاهد صحیح که کتبا یا شفاهاً احضار شده باشند به عمل می آید.

... مَادَّةٔ ۸۶ ...

هر گاه متداعیین بعد از آگاهی و اعلام بدون عذر صحیح در وقت مقرر حاضر نشوند عدم حضور آنان مانع از معاینه نمی شود و حق شکایت هم بعد از معاینه از محکم خواهد داشت.

... مَادَّةٔ ۸۷ ...

محکم صلح می تواند به نظر خودش یا به خواهش متداعیین یا یکی از آنان اطلاعات اهل خبره را بخواهد.

... مَادَّةٔ ۸۸ ...

در این صورت متداعیین به تراضی یک یا سه نفر از اهل خبره انتخاب می کنند و هر گاه تراضی نشد علاوه بر خود محکم صلح معین می کند و در این صورت طرفین حق دارند که به موازین مرد یا جرح، شهود آن را مرد یا جرح کنند.

... مَادَّةٔ ۸۹ ...

از معاینه محلی و افادات<sup>۲</sup> اهل خبره صورت مجلسی مرتب می شود که به امضای امین یا حاکم صلحیه و متداعیین و شهود و خبره می رسد و هر گاه کسی از

۱- جرح: ۱. زخم، صدمه بدنی ۲. از اعتبار انداختن شهادت کسی و ایراد وارد کردن بر عدالت او؛ مقابل تعدیل ۳. ایراد: اعتراض  
۲- افادات: اظهارات مفید و سودمند در رابطه با یک موضوع



حاض سوار نداشته باشد در صورت مجلس قید می شود. در صورتی که معاینه محلی و عقیده اهل خبره قاطع باشد حاکم صلح می تواند فوراً در خود محل حکم بدهد.

### فصل پنجم: در تأمین مدعی به

...ماده ۹۰...

تأمین مدعی به، به خواهش مدعی در صورتی به عمل می آید که با اسناد رسمی در دست بوده یا مدعی به در معرض تفریط و تضییع بوده و تدارک آن ممکن نباشد.

...ماده ۹۱...

ترتیب تأمین مدعی به که از محاکم صلحیه تقاضا می شود موافق قوانینی است که در باب دوم این کتاب مصرح است.

...ماده ۹۲...

به تقاضای مدعی محکم صلح حق دارد از مدعی علیه که اقامتگاه معین دائمی و اموال غیر منقول ندارد تقاضا کند که در صورت استیناف حکم امین صلح وثیقه یا کفیل معتبر از اهل محل برای تأمین مدعی به بدهد.

...ماده ۹۳...

هرگاه مدعی علیه آن تقاضا را قبول نکند محکم صلح حق دارد اموال منقوله مدعی علیه را به اندازه مدعی به توقیف کند.

## فصل ششم: در حکم

### ماده ۹۴

محکم صلح بعد از شنیدن اظهارات و دلایل طرفین تمام اوضاع و احوال مسئله را در نظر گرفته و اهمیت اعتبار دلایل را سنجیده حکم می‌دهد و این حکم نباید بر خلاف قوانین باشد.

### ماده ۹۵

محکم صلح حق ندارد در باب چیزی حکم بدهد که ادعا نشده است یا بیشتر از آن چه متداعین تقاضا کرده‌اند حکم بدهد.

### ماده ۹۶

در موارد احکام قطعی محکم صلح در خود حکم موعدی را معین می‌کنند که محکوم علیه در ظرف آن موعد طوعاً حکم را مجری دارند.

### ماده ۹۷

در صورتی که بر محکم صلح ثابت شود که محکوم علیه نمی‌تواند تمام محکوم به را بپردازد می‌تواند نظر به مبلغ محکوم به و استطاعت محکوم علیه برای تأدیه وجه اقساطی قرارداد و در آن باب تصدیق به طرفین بدهد.

### ماده ۹۸

هرگاه محکوم علیه در سه وعده اقساط را نرسانید محکم صلح به تقاضای



مکومرله حکم تآرید، بلا تاخیر و جه مرا می دهد.

••• ماده ۹۹ •••

احکام غیر قطعی (قابل استیناف) محکم صلحیه فقط در موارد ذیل و آن هر در صورت تقاضای مکومرله در صورتی که بتوان تصور کرد که تعویق اجرا باعث اشکالات در اجرای حکم در آتیه خواهد شد موقتاً قابل اجرا است:

۱- در موردی که حکم محکم صلح مبتنی بر سند رسمی است ادعای جعلیت نسبت به آن استناد نشده است یا حکم محکم صلح به موجب سند غیر رسمی است ولیکن طرفی که بر ضد او آن سند اقامه شده است اعتبار و اصالت آن سند را اعتراف کرده است.

۲- در مواردی که محکم صلح در باب تصرف عدوانی کسی در اموال دیگری حکم تخلیه نداده است و یا به واسطه انقضای مدت اجاره حکم داده که شیء اجاره شده به صاحبش مرد و تسلیم شود.

۳- هر گاه در موارد اجین شدن و اجین کردن و استخدام و ادعایی که از این نوع تعهدات شخصی حاصل می شود محکم صلح حکم بدهد که شخص اجین شده یا مستخدم منخص است.

۴- هر گاه مدعی تأمین صحیح برای اجرای موقت بدهد و بر عهد بگیرد تمام خساراتی را که از نسغ یا نقض حکم محکم صلح در درجات بالاتر حاصل تواند شد.

۵- در موارد احکام غیابی در صورتی که ابلاغ سواد حکم غیابی به مکومرله غایب عادتاً ممکن نباشد.

...ماده ۱۰۰...

در تمام صور خمساً در ماده قبل از شخصی که خواستگار اجرای موقت شده به این ترتیب تأمین خواسته می شود اگر موضوع حکم اموال معین باشد صورتهای آن برداشته به دست امینی سپرده تسلیم آن را به محکوم له و همچنین فروش آن را ممنوع می دارند. و هرگاه مدعی به وجه باشد بعد از وصول در جای مطمئن توقیف می کنند و در سایر مواد کفیل معتبر گرفته می شود.

...ماده ۱۰۱...

بعد از صدور حکم محکمه صلح حکم را به طور اختصار نوشته و به متداعیین علناً اعلام می دارند.

...ماده ۱۰۲...

در حین اعلام حکم محکمه صلح مکلف است برای طرفین توضیح نماید. که حکم قطعی است یا غیر قطعی و به کدام محکمه و در چه مدت می توانند رجوع کنند و هرگاه در مدت مقرر اقدام نکردند حکم قطعی خواهد شد.

...ماده ۱۰۳...

محکمه صلح باید حکم خود را در ظرف يك هفته از تاریخ صدور آن نوشته به محکوم له داده و سواد حکم کتبی را نیز به اشخاص لازم در ظرف سه روز از تاریخ رجوع بدهد.